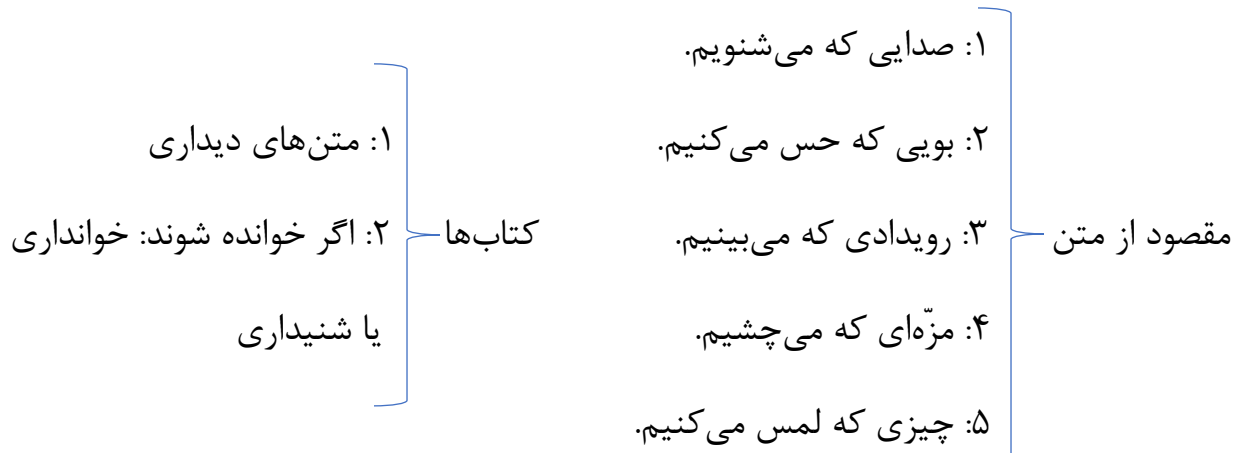


درس اول: مبانی تحلیل متن

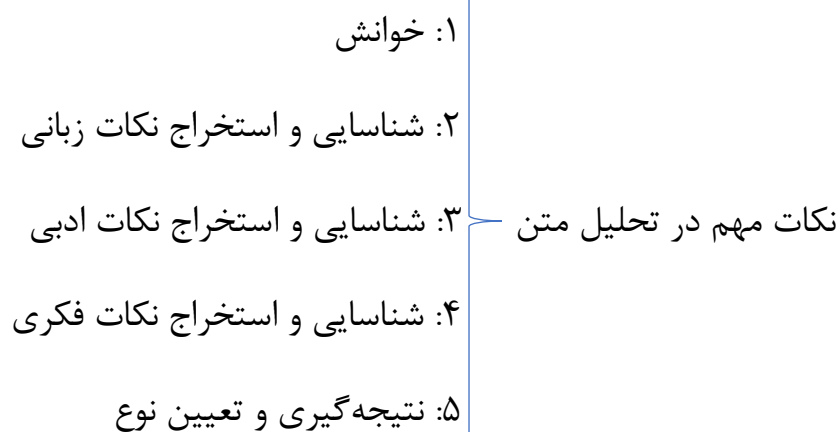
مطالب حفظی مهم این درس:

۱: هر چیزی که ذهن انسان را به پویایی در آورد **متن** است.

۲: مقصود از متن ← تنها نوشته‌های روی کاغذ و کتاب نیست.



مقصود از متن در کتاب علوم و فنون ادبی ← آثار شعر و نثر فارسی



نخستین گام رویارویی متون ← خواندن دقیق متن

نکته مهم پیش از خوانش ← نگاهی کلی به متن از آغاز تا انجام برای کشف **لحن** و **آهنگ**

قدیمی ترین طبقه بندی انواع ادبی ← یونان باستان

۱: حماسی

۲: غنایی

۳: نمایشی

۴: تعلیمی

این تقسیم بندی مبتنی بر **شعر** بود
و جنبه **محتوایی** داشت.

۱: زبانی ← هرچیز که مربوط به زبان یک نوشته بشود، از قبیل بررسی کلمات،

لغات و واژگان یک متن، فارسی یا غیر فارسی بودن زبان، سخت یا ساده بودن زبان،

کهنه یا نو بودن واژگان، ساختار جملات، کوتاهی یا بلندی جملات، دستور زبان و

نوع زبان به کار رفته در متن.

بررسی

۲: ادبی ← بررسی قالب های شعری (مثنوی، غزل، قصیده، دوبیتی و ...)، بررسی

قلمروهای

آرایه های ادبی (تشبیه، جناس، استعاره، کنایه و ...) و بررسی عروض و قافیه

ادبیات

۳: فکری ← بررسی نوع ادبی (تعلیمی، غنایی، حماسی، عرفانی و ...)، بررسی

اندیشه و فکر شاعر یا نویسنده، بررسی معنا و مفهوم نوشته، بررسی موضوع متن و

اندیشه جاری در متن

نمونه

۲: جاهای خالی را با کلمات مناسب پر کنید.

الف) هر چیزی که ذهن انسان را به پویایی در آورد **متن** است.

ب) **خوانش** نخستین گام رویارویی با متون است.

۳: صحیح یا غلط بودن موارد زیر را مشخص کنید.

الف) تقسیم‌بندی انواع ادبی در یونان باستان مبتنی بر **سگر** بود و جنبه محتوایی داشت. **ع**

ب) مقصود از متن فقط نوشته‌های روی کاغذ نیست. **ص**

۴: به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

الف) چه عاملی پیش از خوانش متن اهمیت دارد؟ **نگاهی کلی از آغاز تا پایان متن**
برای **شف‌الحق**

ب) تقسیم‌بندی انواع ادبی در یونان باستان به چند دسته تقسیم شد؟ آنها را نام ببرید.

عزسه / تعلیمی / عیبی / نمایشی / حماسی

درس چهارم: تاریخ ادبیات پیش از اسلام و قرن های اولیه هجری

در ایران پیش از اسلام، آثار ادبی - فرهنگی قرن ها **سینه به سینه** حفظ می شده است.

مثال ← **کتاب اوستا** (این کتاب را موبدان برای اجرای مراسم دینی از حفظ می خواندند تا سرانجام در زمان **ساسانیان** به نگارش درآمد.

۱: فارسی باستان

۲: فارسی میانه

۳: فارسی نو (دری)

دسته بندی زبان های ایرانی

۱: دوره رواج: زمان هخامنشیان (۵۳۹ ق.م تا ۳۳۰ ق.م)

۲: آثار به جا مانده: نامه ها و فرمان های شاهان هخامنشی

۳: خط: میخی

فارسی باستان

فارسی ۱: پارتی

میانه ۲: پهلوی

فارسی میانه ۱: دوره رواج: اشکانیان تا اوایل ساسانیان

(پارتی) ۲: منطقه رواج: شمال و شمال شرقی ایران

۱: دوره رواج: دوره ساسانی

۲: نام دیگر: فارسی میانه (چون بین دوران فارسی باستان و فارسی نو بوده)

۳: آثار تألیف شده به این زبان: آثار دینی زردشتی

۴: یادگار زریران ← رساله کوچکی که آنرا در زمره آثار غیر دینی قرار می دهند

اما رنگ و بوی دینی دارد.

۵: آثار منظوم و منثور این زبان از بین رفته اما ترجمه عربی و فارسی آنها باقی مانده

مانند: هزار و یکشب و کلیله و دمنه

۶: اشعار کمی به زبان پهلوی در دست است.

۷: آنچه از شعر پهلوی مانده دچار تحریف شده.

۸: قطعات شعری باقی مانده زبان پهلوی: بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی.

۹: این قطعات شعری در میان اندرزنامه‌های منثور جای دارند.

مثل درخت آسوریک و یادگار زریران که هر دو اصل پارتی دارند.

۱: دوره رواج: پس از ورود اسلام به ایران

۲: بهره‌گیری از الفبای عربی با کنار گذاشتن آواهای این زبان

۳: پس از برافتادن ساسانیان ← طاهریان نخستین دولت اسلامی ایران بودند.

۴: دری ← زبان درباری سامانیان، زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی بود.

۵: منطقه رواج: شرق و شمال شرقی ایران

فارسی
پهلوی

فارسی

نو

(دری)

- ۱: تألیف آثار فراوان به زبان‌های فارسی، عربی و پهلوی
- ۲: در آغاز قرن سوم، ابتدا دولت نیمه‌مستقل طاهری و سپس دولت مستقل صفاری به وجود آمدند.
- ۳: یعقوب لیث صفاری با زبان عربی آشنایی نداشت و اجازه کاربرد این زبان را نمی‌داد.
- سه قرن
نخست
هجری

- ۱: قرن چهارم: دوره غلبه، رواج، حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی.
- ۲: پایه‌های حماسه ملی به زبان فارسی در این قرن گذاشته شد.
- ۳: دوره طلایی همراه با شکوفایی روح ایرانی.
- ۴: دانشمند این دوره ← زکریای رازی / شاعر این دوره ← فردوسی
- قرن
چهارم

۱: مهم‌ترین دوره تمدن اسلامی ایران و دوره ترقی در همه زمینه‌های علمی

۲: نظم و نثر فارسی در این دوران شکوفا شد.

۳: در آغاز این دوره، سامانیان روی کار آمدند و رسوم کهن فرهنگی ایران را رواج دادند

۴: در زمان سامانیان، بخارا عمده‌ترین مرکز فرهنگی ایران بود.

۵: درخشش سامانیان با شکست از ترکان آل افراسیاب به تیرگی گرایید.

۶: خراسان ابتدا به دست سبکتگین و بعد پسرش محمود افتاد.

۷: سلسله غزنوی در سال ۳۵۱ در غزنه تشکیل شد.

۸: تا پایان سلطنت مسعود، دربار غزنویان پر از شاعران فارسی‌گوی بود.

۹: شعرای درباری غزنوی ← عنصری، فرخی و منوچهری (تربیت‌یافته اواخر سامانیان)

۱۰: ابن سینا در همه علوم روزگار خود تبحر داشت و به فارسی و عربی شعر می‌سرود.

۱۱: آغاز این دوره ← اوج حاکمیت سامانیان ← عصر اندیشه استقلال ملی ایرانیان

۱۲: امرای سامانی با ضرورت تألیف بر زبان فارسی به دنبال استقلال بودند.

۱۳: بسیاری از اصطلاحات علمی، ادبی، دینی و سیاسی جدید، از راه ترجمه متون

عربی، وارد زبان فارسی دری می‌شود.

۱۴: در آغاز این دوره بسیاری از دانشمندان، آثار خود را به عربی می‌نویسند ←

زیرا می‌خواهند در سرتا سر اسلام، خوانندگان بیشتری داشته باشند.

قرن ۴

و نیمه

اول قرن

۵

۱: سادگی و روانی کلام

۲: شاعران به واقعیات بیرونی نظر داشتند. ← **برونرا بودند.**

۳: مفاهیم ذهنی آنها از قلمرو تعالیم کلی اخلاقی فراتر نمی‌رفت.

۴: **رودکی** ← پدر شعر فارسی (زیرا شعر پارسی به دست او بنیاد نهاده شد).

۵: رایج‌ترین انواع شعر در این دوره ← **حماسی، مدحی و غنایی**

۶: **حماسه** ملی ایران و شعر حماسی، با **فردوسی** به اوج رسید.

۷: شعر مدحی و مدیحه‌سرایی ← به پیروی از شعر عربی معمول گشت. اول

۸: شعر حکمی و اندرزی، در این دوره ظاهر شد و در دوره **سلجوقیان** به پختگی رسید.

۹: شعر **غنایی** با **رودکی** و **شهید بلخی** استحکام یافت

۱۰: آوردن نصیحت از آغاز قرن ۴ معمول شد و قطعات کوتاهی در این باب سروده شد.

۱۱: **کسی که قصیده تمام و کمال در موضوع نصیحت سرود** ← **کسایی مروزی**

۱۲: **کسی که راه کسایی را ادامه داد** ← **ناصر خسرو**

۱۳: داستان‌سرایی، قصه‌پردازی و آوردن مثل در شعر، از این دوره آغاز شد.

۱: در عهد سامانی، نثر هم مانند شعر گسترش پیدا کرد.

۲: نثر این دوره ساده و روان است.

۳: موضوعات رایج نثر این دوره ← **حماسی، ملی و تاریخی**

۴: هنوز آوردن اصطلاحات علمی، اشعار و امثال در آن رایج نشده.

شعر قرن

۴ و نیمه

اول قرن

۵

نثر قرن

۴ و نیمه

اول قرن ۵

کتاب‌های شرق قرن ۴ و نیمه اول قرن ۵

۱: سال تألیف: ۳۴۶

۲: مؤلف: عده‌ای از دانشوران خراسان

۳: موضوع کتاب: تاریخ گذشته ایران

۴: امروزه تنها چند صفحه از مقدمه آن باقی مانده.

شاهنامه

ابومنصوری

۱: نویسنده اصل تفسیر: محمدبن جریر طبری

۲: زبان اصل تفسیر: عربی

۳: جمعی از دانشمندان آن زمان این کتاب را به فارسی ترجمه کردند.

ترجمه

تفسیر

طبری

۱: اصل کتاب: تاریخ الرسل و الملوک اثر محمدبن جریر طبری

۲: ابوعلی بلعمی به دستور منصور بن نوح سامانی آن را به فارسی برگرداند.

۳: نویسنده در حین ترجمه، اطلاعاتی راجع به تاریخ ایران به کتاب افزود و آن را

به صورت اثری مستقل در آورد.

تاریخ

بلعمی

نمونه

۱: جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) آثار تألیف شده به زبان پهلوی، **آثار دینی زرتشتی** هستند.

ب) شعر غنایی با **رودنی** و **سجده بلخی** استحکام یافت.

ج) در آغاز قرن ۳، دولت نیمه مستقل **زاهدی** و سپس دولت مستقل **صفاری** پدید آمد.

د) در زمان سامانیان، **بنی را** عمده‌ترین مرکز فرهنگی بود.

۲: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) رایج‌ترین انواع نثر قرن چهارم، حماسی، مدحی و تاریخی بود. **ملی**

ب) شاران قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم بیشتر به واقعیات درونی نظر داشتند. **ع**

ج) موضوع کتاب شاهنامه ابومنصوری، تاریخ گذشته ایران است. **ص**

د) نخستین کسی که قصیده تمام و کمال در باب موعظه سرود، ناصر خسرو بود. **ع**

۳: به سوالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

الف) رایج‌ترین انواع شعر قرن ۴ و نیمه اول قرن ۵ چه بود؟ **حماسی / مدحی / غنایی**

ب) از زبان فارسی باستان برای نگارش چه چیزهایی و با چه خطی استفاده می‌شد؟ **زدهی**

فرمان‌ها و نامه‌های ساسانی

ج) شعرای درباری غزنویان را نام ببرید. **عصری / فنی / صنوچری**

د) اشعار به جا مانده از زبان پهلوی چه چیزهایی هستند؟ نمونه‌های آنها را بنویسید. **باقی مانده کاسی، نعلی و اخدانی در میان اندرزنامه‌های سنورا / درخت اسوریک و یارها زریران**

ه) منطقه رواج زبان پارسی در کدام منطقه از ایران بود؟ **سپل و سمل سنی**

۴: اطلاعات قسمت «الف» را به کتاب قسمت «ب» متصل کنید.

الف	ب
۱) کتابی که ترجمه فارسی و عربی آن باقی مانده است. ب	الف) یادگار زریران
۲) نوشته عده‌ای از دانشوران خراسان در سال ۳۴۶ ج	ب) کليلة و دمنه
۳) کتابی که اصل پارسی دارد. الف	ج) شاهنامه ابومنصوری
۴) کتابی از محمدبن جریر طبری به زبان عربی ه	د) تاریخ بلعمی
۵) با افزودن مطالبی به این کتاب، به صورت اثری مستقل در آمد. د	ه) تاریخ الرسل و الملوک

درس، مقدم: سبک و سبک‌شناسی

تعریف سبک: سبک «در اصطلاح ادبی، شیوه خاص اثر یا آثار ادبی است و به مجموعه ویژگی‌هایی که شاعر یا نویسنده در نحوه بیان اندیشه به کار می‌گیرد، «سبک شعر» می‌گویند.

- ۱: براساس نام شاعر یا نویسنده؛ مانند سبک فردوسی، سبک بیهقی؛
- ۲: براساس زمان و دوره اثر؛ مانند سبک دوره غزنوی، سبک دوره مشروطه
- ۳: براساس موضوع و نوع؛ مانند سبک عرفانی، سبک حماسی؛
- ۴: براساس محیط جغرافیایی؛ مانند سبک آذربایجانی و سبک خراسانی؛
- ۵: به تناسب مخاطب؛ مانند سبک عامیانه، سبک عالمانه؛
- ۶: براساس هدف؛ مانند سبک تعلیمی، سبک فکاهی؛
- ۷: براساس قلمرو دانشی؛ مانند علمی، فلسفی.

طبقه‌بندی ارسطو

برای شعر

۱: سبک خراسانی یا ترکستانی (از آغاز شعر فارسی تا قرن ششم)؛

۲: سبک عراقی (از قرن ششم تا قرن دهم)؛

۳: سبک هندی (از قرن دهم تا سیزدهم)؛

۴: دوره بازگشت (در تمام طول قرن سیزدهم)؛

۵: دوره مشروطه؛

۶: دوره معاصر.

تقسیم‌بندی

ملک‌الشعراى بهار

برای شعر فارسی

- ۱: دوره سامانی (۳۰۰ تا ۴۵۰ هـ. ق)؛
- ۲: دوره غزنوی و سلجوقی اول (۴۵۰ تا ۵۵۰ هـ. ق)؛
- ۳: دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان، **نثر فنی** (۵۵۰ تا ۶۱۶ هـ. ق)؛
- ۴: دوره سبک عراقی، **نثر مصنوع** (۶۰۰ تا ۱۲۰۰ هـ. ق)؛
- ۵: دوره بازگشت ادبی (۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ هـ. ق)؛
- ۶: دوره ساده‌نویسی (۱۳۰۰ هـ. ق تا امروز).

تقسیم‌بندی
ملک‌الشعرای بهار
برای نثر فارسی

نکته: تقسیم‌بندی ملک‌الشعرای بهار بر مبنای **موزه تاریخی** و **جغرافیایی** شعر است.

- ۱: نخستین آثار نظم زبان فارسی بعد از اسلام، ابتدا ← **سیستان**
- سپس ← **خراسان بزرگ**
- ۲: نام سبک آثار این دوران ← **خراسانی**
- ۳: به دلیل آنکه **اوج آن در زمان سامانیان** بوده، به آن **سامانی** نیز می‌گویند.
- سبک‌شناسی
- شعر
- دوره اول
- ۴: سبک خراسانی بر حسب زمان
- ۱: سامانی
- ۲: غزنوی
- ۳: سلجوقی
- ۵: سبک دوره سلجوقی ← **بینابین** (زیرا ویژگی‌های سبک عراقی را نیز دارد).
- ۶: **شاعران معروف سبک خراسانی: رودکی، فردوسی و ناصر خسرو**

۱: سادگی زبان شعر؛

۲: کم بودن لغات عربی - به جز اصطلاحات دینی و علمی - و لغات بیگانه

ویژگی‌های

۳: تفاوت تلفظ برخی از کلمات؛ مثلاً، یک هزار به جای یک هزار

زبانی

۴: کهنه و مهجور بودن بخشی از لغات؛ مثل: گبر - جوشن

شعر خراسانی

۵: استفاده از دو نشانه برای یک متم، مانند: «زدش بر زمین بر به کردار شیر»

۱: قالب عمده شعر این دوره، قصیده است؛ قالب‌های مسمط، ترجیع‌بند و مثنوی

ویژگی‌های

نیز رواج دارد و قالب غزل در اواخر این دوره رشد می‌یابد.

ادبی

۲: استفاده از آرایه‌های ادبی، طبیعی و در حد اعتدال است؛

شعر خراسانی

۳: قافیه و ردیف، بسیار ساده است؛

۴: در توصیف پدیده‌ها بیشتر از تشبیه حسی بهره گرفته می‌شود.

۱: روح شادی و نشاط و خوش‌باشی، در شعر غلبه دارد؛

ویژگی‌های

۲: شعر واقع‌گراست و توصیفات عمدتاً طبیعی، ساده، محسوس و عینی است؛

۳: معشوق، عمدتاً زمینی است؛

فکری

۴: بیشتر روح حماسه بر ادبیات این دوره حاکم است؛

۵: اشعار پندآموز و اندرزگونه این دوره، ساده است و جنبه عملی و دستوری دارد؛

شعر خراسانی

۶: مضمون عمده اشعار این سبک، حماسه، مدح و اندرز و... است؛

۷: فکر و کلام ساده است؛ و با عرفان، حکمت و فلسفه آمیخته نشده است.

نثر این دوره را در دو شاخه، بررسی می‌کنیم: **دوره سامانی، دوره غزنوی و سلجوقی.**

- | | |
|----------------------------------------------------|---------------------------------|
| ۱: ایجاز و اختصار در لفظ و معنا؛ | ویژگی‌های
نثر
دوره سامانی |
| ۲: تکرار فعل یا اسم به حکم ضرورت معنی؛ | |
| ۳: کوتاهی جملات؛ | |
| ۴: لغات کم کاربرد فارسی در مقایسه با دوره‌های بعد؛ | |
| ۵: بهره‌گیری کمتر از لغات عربی؛ | |
| ۶: افزایش کاربرد نشانه‌های جمع فارسی بر جمع عربی. | |

محتوای نثرهای این دوره، بیشتر **علمی** است و گاهی نثرهای **حماسی، تاریخی و دینی** هم دیده می‌شود.

از نمونه‌های موفق نثر سامانی ← **ترجمه تفسیر طبری، تاریخ بلعمی، التفهیم و شاهنامه ابومنصوری.**

- | | |
|-----------------------------------------------|--------------------------------------------|
| ۱: اطناب (جمله‌ها معمولاً طولانی هستند)؛ | ویژگی‌های
نثر
دوره غزنوی
و سلجوقی |
| ۲: تمثیل و استشهاد به آیات، احادیث و اشعار؛ | |
| ۳: حذف افعال به قرینه؛ | |
| ۴: افزایش کاربرد لغات عربی (نسبت به دوره قبل) | |

از نمونه‌های موفق نثر غزنوی و سلجوقی ← **تاریخ بیهقی، قابوسنامه، سفرنامه ناصر خسرو، سیاست‌نامه، کیمیای سعادت و کشف‌المحجوب**

نمونه

۱: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) در طبقه‌بندی ارسطو، سبک فکاهی از جمله موارد مربوط به موضوع و نوع است. (خ)

ب) سبک غزنوی را می‌توان بینابین نیز نامید. (خ)

ج) در شعر سبک خراسانی، قافیه و ردیف بسیار ساده است. (ص)

د) حذف افعال به قرینه از ویژگی‌های نثر دوره سامانی است. (خ)

۲: جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) سیاست‌نامه از کتاب‌های مربوط به دوره غزنوی و سلجوقی می‌باشد.

ب) قالب مسلط سبک خراسانی قصیده است و غزل در اواخر این دوره رواج می‌یابد.

ج) معشوق در ادبیات دوره خراسانی عمدتاً زمینی است.

د) نخستین آثار نظم زبان فارسی ابتدا در سبک و سپس در خراسان پدید آمد.

۳: هریک از موارد ستون «الف» را به عبارت مناسب در ستون «ب» متصل کنید.

«الف»	«ب»
الف) نثر فنی ۴	۱: نثر دوره عراقی
ب) عالمانه و عامیانه ۲	۲: طبقه‌بندی سبکی بر اساس مخاطب
ج) کوتاهی جملات ۵	۳: نمونه نثر دوره سامانی
د) نثر مصنوع ۱	۴: نثر دوره سلجوقی دوم و خوارزمشاهیان
ه) التفهیم ۳	۵: ویژگی نثر دوره سامانی

۴: به سوالات زیر پاسخ کوتاه بدهید.

الف) سبک را تعریف کنید. **سوره خاص! اثر با نثر ادبی**

ب) تقسیم‌بندی ملک‌الشعرای بهار برای شعر بر چه مبنایی است؟ **حجراتی و تاریخی**

ج) سبک‌های فرعی سبک خراسانی را نام ببرید. **سامانی / غزنوی / سلجوقی**

۵: به سوالات زیر پاسخ کامل بدهید.

الف) طبقه‌بندی ملک‌الشعرای بهار برای شعر را به ترتیب بنویسید.

ب) ویژگی‌های زبانی شعر سبک خراسانی را بنویسید.

ج) نمونه نثرهای دوره غزنوی و سلجوقی را بنویسید.

درس دهم: زبان و ادبیات فارسی در سده‌های پنجم

عوامل مهم پیشرفت و گسترش زبان و ادبیات فارسی در این دوره

۱: گرایش شاهان در جلب عالمان و ادیبان به دربار؛

۲: لشکرکشی‌ها و فتوحات غزنویان؛

۳: توسعه مدارس و مراکز تعلیم

پدیده‌های عمده برای زبان فارسی در این دوره:

۱: گسترش فارسی دری و آمیزش آن با کلمات و لغات نواحی مرکزی و غربی ایران؛

۲: درآمیختن زبان فارسی با لغات زبان عربی؛

۳: آمیختگی با واژه‌ها، نام‌ها و لقب‌های غیررایج در عصر غزنوی و سلجوقی.

- ۱: آمیختگی بیشتر با لغات **عربی** با گذشت زمان
- ۲: رشد و گسترش زبان فارسی در **هند** با لشکرکشی‌های محمود
- ۳: تبدیل شدن زبان فارسی در هند به عنوان زبان نظامی، سیاسی و **مقدس**
- ۴: تا نیمه دوم قرن ۵ و اوایل ۶: شعر فارسی تحت تأثیر دوره سامانی و غزنوی
- ۵: سخن شاعرانی چون **ناصر خسرو** ← یادآور سروده‌های قرن ۴
- ۶: موضوع قابل توجه شعر نیمه دوم قرن ۶ ← **علاقه‌مندی به سرایش غزل**
- ۷: **انوری و هم‌سبکان او** در آوردن مضامین دقیق در غزل کوشیدند.
- ۸: تحوّل دهندگان غزل ← **سنایی و انوری** نکات مهم
- ۹: شاعران حوزه **آذربایجان** ← **خاقانی و نظامی** شعر نیمه
- ۱۰: شاعران حوزه ادبی فارسی و عراق عجم ← در تجدید سبک مؤثر بودند. دوم قرن ۵
- ۱۱: شاعر معروف حوزه فارس و مرکزی ← **جمال‌الدین عبدالرزاق اصفهانی** و قرن ۶
- ۱۲: نیمه دوم قرن ۶ و اوایل ۷: شعر متحوّل شد و باعث ظهور سبک عراقی شد.
- ۱۳: شاعران از مدح پادشاهان پرهیز می‌کردند. مثل ← **ناصر خسرو و سنایی**
- ۱۴: تحوّل روحی و معنوی **سنایی** موجب دگرگونی عمیق در شعر فارسی شد.
- ۱۵: به پیروی از **سنایی** شاعران به عرفان و تصوّف روی آوردند.
- ۱۶: **خانقاه‌ها** در حکم پشتیبان و پناهگاه شعر فارسی درآمدند.
- ۱۷: از مسائل موجود در شعر این دوره ← **بدبینی** شاعران نسبت به روزگار،

بدبینی به دنیا و بریدن از آن، بیان ناخرسندی فرزنانگان و طرح مسائل اجتماعی

۱: قرن ۴ و اوایل قرن ۵ ← ظهور نثر فارسی

۲: نیمه قرن ۵ ← بلوغ نثر فارسی

۳: قرن ۶ و اوایل قرن ۷ ← پختگی و کمال نثر فارسی

۴: در این دوره نثر ساده به کمال رسید و نثر مصنوع هم رایج شد.

۱: گسترش عرفان و تصوّف

توجه نویسندگان

۲: شکل گیری دولت سلجوقی و استفاده از نویسندگان ایرانی

به فارسی نویسی

۵: شکل گیری نثر موزون

نکات مهم

۶: ویژگی اصلی نثر موزون ← به کارگیری سجع

نثر نیمه

۷: کسی که شیوه نثر موزون را به کمال رساند ← خواجه عبدالله انصاری

دوم قرن ۵

۸: نمونه دیگر نثر موزون ← کشف الاسرار و عده الابرار توسط ابوالفضل میبیدی

و قرن ۶

۹: نوع دیگر نثر در این دوران ← نثر فنی

۱۰: ویژگی نثر فنی ← به کارگیری آرایه های ادبی فراوان، امثال و اشعار

۱۱: دوره رواج نثر فنی ← قرن ششم

۱۲: نخستین نمونه نثر فنی ← کلیله و دمنه اثر ابوالمعالی نصرالله منشی

۱: از میان رفتن لغات مهجور فارسی نسبت به سبک خراسانی؛

۲: فراوانی ترکیبات نو؛

۳: کاهش سادگی و روانی کلام و حرکت به سوی دشواری متون؛

۴: ورود لغات زبان ترکی و مغولی به زبان فارسی

ویژگی‌های زبانی

شعر این دوره

۱: رواج و اوج‌گیری بیشتر قالب‌های شعری، به ویژه **غزل و مثنوی**؛

۲: رواج **داستان‌سرایی و منظومه‌های داستانی**؛

۳: **توجه بیشتر به آرایه‌های ادبی**؛

۴: **به کارگیری ردیف‌های فعلی و اسمی دشوار در شعر.**

ویژگی‌های ادبی

شعر این دوره

۱: ورود اصطلاحات عرفانی؛

۲: فراوانی وعظ و اندرز در شعر؛

۳: فاصله‌گرفتن غزل از عشق زمینی؛

۴: رواج هجو در شعر؛

۵: رواج **حسّ دینی**؛

۶: رواج **مفاخره، شکایت و انتقاد اجتماعی**

ویژگی‌های فکری

شعر این دوره

۱: استفاده از آرایه‌های ادبی؛ مانند: موازنه، سجع، مراعات نظیر، تشبیه و ...؛

۲: حذف افعال به قرینه؛

۳: کاربرد لغات مهجور عربی، ترکی و مغولی و اصطلاحات علمی و فنی؛

۴: رواج نثر داستانی، تمثیلی و عرفانی؛

۵: آوردن مترادف‌ها و توصیف‌های فراوان؛

۶: کاربرد آیات، احادیث و اشعار در متن؛

۷: استفاده از ترکیبات دشوار.

ویژگی‌های

نثر فارسی

در این دوره

برخی آثار معروف این دوره ← قابوسنامه، تاریخ بیهقی، چهارمقاله نظامی عروضی، مقامات حمیدی، کلیله و دمنه.

نمونه

۱: جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) تحوّل روحی و معنوی **سبکی** آغازی برای دگرگونی عمیق در شعر فارسی شد.

ب) **انوری** و هم‌سبکان او در آوردن مضامین دقیق در غزل کوشیدند.

ج) **نواب عبداللّه انصاری** شیوه نثر موزون را به کمال رساند.

۲: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) دورهٔ رواج نثر فنی قرن پنجم بود. (غ)

ب) کتاب کشف الاسرار و عده‌الابرار اثر نصرالله منشی از نمونهٔ نثرهای موزون است. (غ)

ج) خاقانی و نظامی از جمله شاعران معروف حوزهٔ آذربایجان بودند. (ص)

د) انوری و نظامی از تحول‌دهندگان غزل بودند. (غ)

درس دوم: سازه‌ها و عوامل تأثیرگذار در

مطالب حفظی مهم این درس:

شعر و موسیقی برای برانگیختن حس و حال عاطفی به کار می‌روند.

نخستین عامل پیدایی شعر عاطفه است.

شاعر برای انتقال عاطفه خود به دیگران از زبان کمک می‌گیرد.

وزن و آهنگ به انتقال بهتر عاطفه و احساس کمک می‌کند.

پس از عاطفه، مهم‌ترین و مؤثرترین عامل وزن است.

وزن در شعر جنبه تزئینی ندارد بلکه جزو طبیعت شعر است.

وزن، ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود.

وزن امری حسی است و بیرون از ذهن کسی که آن را درمی‌یابد وجود ندارد.

توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف لحن می‌شود.

مطالب مهم عملی این درس:

انواع سخن و آهنگ:

۱: لحن و آهنگ شاد:

«ای سرخوشان ای سرخوشان آمد طرب دامن کشان بگرفته ما زنجیر او بگرفته او دامان ما»

۲: لحن و آهنگ غمگین:

«ای دل ز جان درای که جانان پدید نیست با درد او بساز که درمان پدید نیست»

۳: لحن و آهنگ حماسی:

«زره لخت لخت و قبا چاک چاک سر و روی مردان پر از گرد و خاک»

۴: لحن و آهنگ تعلیمی:

«با مادر خویش مهربان باش آماده خدمتش به جان باش»

تناسب و هم سویی عاطفه و آهنگ:

«مرده بدم، زنده شدم، گریه بدم، خنده شدم دولت عشق آمد و من دولت پاینده شدم»

عاطفه ← شاد / آهنگ و موسیقی ← شاد

«ای ساربان آهسته ران کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتم با دلستانم می‌رود»

عاطفه ← غمگین / آهنگ و موسیقی ← غمگین

عدم تناسب و هم‌سویی عاطفه و آهنگ:

«این همه محنت که فرا پیش ماست اینت صبورا که دل ریش ماست»

عاطفه ← غمگین / آهنگ و موسیقی ← شاد

«شادم که از کلّ جهان تنها تو را دارم، ببین این عشق ما را ساخته، تنها تو را خواهم، همین»

عاطفه ← شاد / آهنگ و موسیقی ← غمگین



۱: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر، وزن است. **خ**

ب) وزن امری حسی است و بیرون از ذهن کسی که آن را در می‌یابد وجود ندارد. **ص**

۲: جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل نمایید.

الف) توجه به فضای عاطفی و آهنگ متن، سبب کشف **لحن** می‌شود.

ب) **ادراک** ادراکی است که از احساس نظم حاصل می‌شود.

۳: فضای عاطفی و لحن سروده‌های زیر را مشخص کنید.

جهان جهان را به بد نسپریم

الف) بیا تا همه دست نیکی بریم

تعلیق

خون گشت قلب لعل و دل سنگ خاره هم

ب) زین درد خون گریست سپهر و ستاره هم

غمیلین

کوته نظری باشد، رفتن به گلستانها

ج) تا خار غم عشقت، آویخته در دامن

سار و عاسفانه

برفتند با کاویانی درفش

د) ز تیغ دلیران هوا شد بنفش

جاسی

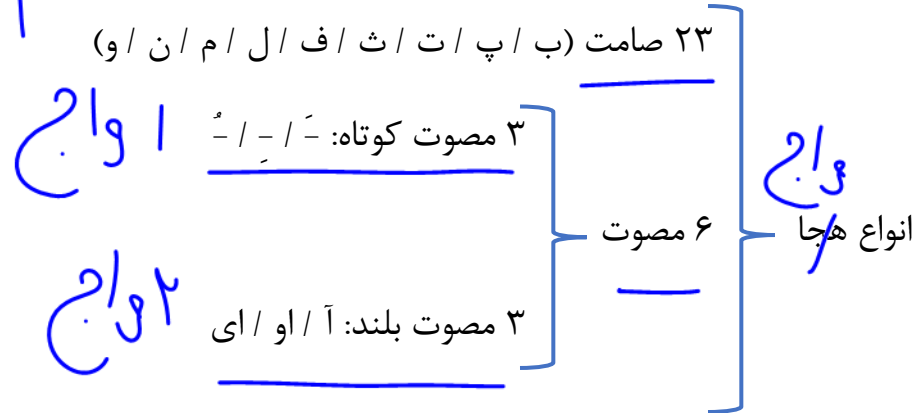
درس پنجم: هماهنگی پاره‌های کلام

واج: کوچک‌ترین واحد آوایی زبان (حرف صورت نوشتاری واج است)

زبان فارسی دارای ۲۹ واج است.

برای ۳ واج
باری ۴ واج

۱ واج



توسعه

نوع هجا	محدوده قرار گرفتن (ترکیب)	نشانه	مثال
کوتاه ۲	صامت + مصوت کوتاه	U	ت، ب، ک
بلند ۳	صامت + مصوت کوتاه + صامت صامت + مصوت بلند	-	پر، من، غم پا، مو، سی
کشیده ۴	صامت + مصوت کوتاه + صامت + صامت صامت + مصوت بلند + صامت صامت + مصوت بلند + صامت + صامت	U_	دست، عشق، موج یار، زود، تیغ دوست، نیست، گوشت

۱ ۳ ۱ ۱ ۲ ۱ ۱ ۲ ۱

نکات مهم مربوط به هجاها

۱: مصوت بلند معادل ۲ واج به حساب می آید.

۲: در تقطیع هجایی شعر، با کلمات پنج واجی کاری نداریم و هر موقع به آنها برخوردیم، صامت پایانی آنها را حذف می کنیم.

۳: در تقطیع هجایی شعر، هر هجا را طوری می نویسیم که می خوانیم. مثلا: خواهر (خاهر)

۴: هیچ هجایی با مصوت آغاز نمی شود و هجاهایی که به ظاهر با مصوت آغاز شده، در ابتدای خود یک همزه دارد. مثل: ایران: **ا** + ی + ر + ا + ن

همزه ← صامت

۵: هر هجا یا بخش تنها یک مصوت دارد و تعداد هجاها بسته به تعداد مصوت هاست.

۶: حروف تشدید دار را به دو واج تقسیم می کنیم. مثال: عیار: ع + ی + ا + ر

۷: مصوت ها همیشه دومین واج در هر هجا هستند.

۸: در هجاهای کشیده برای سهولت در کار تقطیع، به واج چهارم یک کسره اضافه می کنیم و آن را معادل دو هجا در نظر می گیریم. مثال: خواب: را: خا / ب / را

اِ اِ اِ

اِ

نمونه: «ای ساربان آهسته ران کارام جانم می رود و ان دل که با خود داشتم با دلستانم می رود»

ای ساربان	آهسته ران	کارام جانم	می رود
اِ س ا ر ب ا ن	اِ ه س ت ه ر ا ن	ک ا ر ا م ج ا ن م	مِ ی ر و د
وا دل ک با	خد دا ش تم	با دل س تا	نم می ر ود
و ا د ل ک ب ا	خ د د ا ش ت م	ب ا د ل س ت ا	ن م مِ ی ر و د

نمونه

۱: ترکیبات زیر را تقطیع کنید و هجاهای هر یک را مشخص کنید.

الف) کتابِ خوب: ک ت ا ب خ و ب (ب) چشم‌انتظاری: ح م د ن (ج) خویش‌ن‌دار: خ و ی ش ت ن د ا ر (د) انسان‌نما: ا ن س ا ن ن م ا

۲: صامت‌ها و مصوت‌های کلمات زیر را مشخص کنید.

الف) ورود: (ب) دانشکده: (ج) حضرت یحیی: (د) آزادگان:

۳: ابیات زیر را تقطیع کرده و علامت هجایی هر یک را مشخص کنید.

الف) من از اینجا به ملامت نروم که من اینجا به امیدی گروم
 م ن ا ز ا ی ن ج ا ب ه م ل ا م ت ن ر و م ک ه م ن ا ی ن ج ا ب ه ا م ی د ی گ ر و م
 ب) بلم آرام چون قویی سبکبار به نرمی بر سر کارون همی رفت
 ب ل م آ ر ا م چ و ن ق و ی ی س ب ک ب ا ر ب ه ن ر م ی ب ر س ر ک ا ر و ن ه م ی ر ف ت
 ل م آ ر ا م چ و ن ق و ی ی س ب ک ب ا ر ب ه ن ر م ی ب ر س ر ک ا ر و ن ه م ی ر ف ت

درس هشتم: وزن

مطالب حفظی مهم این درس:

۱: تعریف علم عروض: علمی که قواعد وزن شعر و طبقه‌بندی وزن‌ها را از جنبه نظری و عملی تعیین می‌کند.

۲: واحد وزن در شعر فارسی مصراع است.

نکات مهم نوشتن شعر به خط عروضی:

۱: هر هجا را همانطور که می‌خوانیم می‌نویسیم.

۲: «هـ» غیر ملفوظ در کلماتی چون «به»، «که»، «پروانه»، «سایه»، «کرانه» و ... در خط عروضی به حساب نمی‌آید و آنها را به شکل «بِ»، «کِ»، «پروانِ»، «سایِ» و «کرانِ» می‌نویسیم.

۳: مصوّت‌های کوتاه «-» که در برخی کلمات به صورت «و» نوشته می‌شوند، باید به همان صورت «-» تلفظ شوند. مانند: تو ← ت / خود ← خُد

۴: حروف تشدیددار با دوبر تَلْفَظ می‌کنیم. مثل نَجَّار ← نَج / جار - معین ← م / عی / این

۵: واوهای عطف و ربط به صورت مصوّت کوتاه «-» نوشته می‌شوند. به عنوان مثال:

«شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی» ← ش / بس / ت / شا / ه / د / شم / ع / ش / را
ب / شی / ری / نی

۶: تمامی مصوّت‌های کوتاه در خط عروضی نوشته می‌شوند. مثال:

«عجب حلّوی قندی تو، امیر بی‌گزندی تو» ← ع / جَب / حَل / وا / ی / قَن / دی / ت / آ / می
ر / بی / گ / زَن / دی / ت

۷: گاهی اوقات زمانی که پیش از همزه یک مصوّت و پس از آن یک صامت قرار می‌گیرد، آن همزه حذف می‌شود. مثال: دانش‌آموز ← دا / ن / شا / موز

«دل از من برد و روی از من نهان کرد» ← د / لز / من / بر / اد / رو / یز / من / ان / هان / کرد

۸: همزه‌هایی که در شعر تلفّظ می‌شود را باید با همان نشانه همزه (ء) بنویسیم.

مثال: آسمان ← اء / س / مان / با ادب ← با / اء / دب

۹: «و»هایی که در برخی کلمات نوشته می‌شوند اما تلفّظ نمی‌شوند، در خط عروضی به حساب

نمی‌آیند. مثال: خواهر ← خا / هر / خواب ← خاب

مثالی برای نوشتن شعر به خط عروضی:

«با من بگو تا کیستی، مه‌ری بگو ماهی بگو / خوابی خیالی چیستی، اشکی بگو آهی بگو»

با	من	ب	گو	تا	کی	س	تی	مه	ری	ب	گو	ما	هی	ب	گو
خا	بی	خ	یا	لی	چی	س	تی	ءش	کی	ب	گو	ءا	هی	ب	گو

«بر سر آنم که گر ز دست برآید / دست به کاری زدم که غصّه سرآید»

بر	س	ر	ءا	نم	ک	گر	ز	دس	ت	ب	را	ید
دس	ت	ب	کا	ری	ز	نم	ک	غص	ص	س	را	ید

نمونه

۱: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) واحد وزن در شعر فارسی بیت است. (خ)

ب) در خطّ عروضی، حروف تشدیددار دوبار نوشته می‌شوند. (ص)

۲: ترکیبات زیر را یک‌بار با حذف همزه و یک‌بار بدون حذف همزه بنویسید و هجابندی کنید.

الف) شیرافکن: سِیر دُف کُن سِی رِ کُن

ب) جگرآور: جِ ک ا و جِ ک ر ا و

ج) دست‌انداز: دِ س ت د ا ز دِ س ت د ا ز

۳: ابیات زیر را به خطّ عروضی نوشته و تقطیع کنید.

الف) آینه ار نقش تو بنمود راست خود شکن آینه شکستن خطاست

یا | ای | ز | ک | ا | ر | ن | ف | س | د | ت | ب | ز | م | و | د | ر | ا | س | ت |

خ | د | س | ت | ا | ن | ا | س | د | ت | ب | ز | م | و | د | ر | ا | س | ت |

ب) اگر کاری کنی مزدی ستانی چو بیکاری یقین بی‌مزد مانی

ا | گ | ر | ک | ا | ر | ی | ک | ن | ی | چ | و | ب | ی | ک | ا | ر | ی | ی | ق | ی | ن | ب | ی | م | ز | د | م | ا | ن | ی |

ا | گ | ر | ک | ا | ر | ی | ک | ن | ی | چ | و | ب | ی | ک | ا | ر | ی | ی | ق | ی | ن | ب | ی | م | ز | د | م | ا | ن | ی |

ا | گ | ر | ک | ا | ر | ی | ک | ن | ی | چ | و | ب | ی | ک | ا | ر | ی | ی | ق | ی | ن | ب | ی | م | ز | د | م | ا | ن | ی |

ا | گ | ر | ک | ا | ر | ی | ک | ن | ی | چ | و | ب | ی | ک | ا | ر | ی | ی | ق | ی | ن | ب | ی | م | ز | د | م | ا | ن | ی |

درس یازدهم: قافیه

ردیف: کلماتی یکسان از نظر نوشتار، تلفظ و معنا که در پایان مصراع قرار میگیرند. (وجود ردیف در شعر الزامی نیست). مثال:

«نشود فاش کسی آنچه میان من و توست تا اشارات نظر نامه‌رسان من و توست»

همانطور که پیداست، ترکیب من و توست در پایان هر دو مصراع به یک شکل آمده است.

نکته: اگر کلمات پایان مصراع از لحاظ تلفظ و نوشتار یکسان باشند اما معنای یکسانی نداشته باشند، دیگر ردیف نداریم و آن دو واژه را قافیه به حساب می‌آوریم. مثال:

«گلاب است گویی به جویش روان جایی همی شاد گردد ز بویش روان روحی»

کلمه روان در مصراع اول در معنای «جاری» و در مصراع دوم در معنای «جان است». پس این دو واژه دیگر ردیف نیستند و واژگان قافیه را تشکیل می‌دهند.

واژگان قافیه: کلماتی که در پایان مصراع‌ها می‌آیند (در صورت وجود ردیف یک واژه پیش از ردیف می‌آیند) که حرف یا حروف پایانی آنها باهم مشترک است.

نماند به کس جاودانه نه بخت

«چنین داد پاسخ فریدون که تخت

عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد»

«نفس باد صبا مشک‌فشان خواهد شد

حروف الحاقی (تبصره ۱): پسوندها، ضمائر، ادات جمع، ی نکره و ... که به پایان کلمات می‌چسبند.

نکته مهم: برای یافتن حروف اصلی قافیه، در صورت وجود حروف الحاقی مشترک در هر دو مصراع باید آنها را حذف کنیم.

یاد باد آن روزگاران یاد باد»

«روز وصل دوستداران یاد باد

دریا بحر

همانطور که واضح است، اصل کلمات «دوستدار» و «روزگار» است و «ان» به صورت الحاقی به پایان این کلمات چسبیده است.

دیوار بحر درخت بحر

حروف اصلی: هجای مشترک پایانی میان واژگان قافیه (بدون در نظر گرفتن حروف الحاقی)

روش یافتن حروف اصلی: از پایان واژه قافیه به سمت اول آن حرکت می‌کنیم. اگر به صامت‌ها رسیدیم عبور می‌کنیم و هر جا به مصوت رسیدیم، همانجا متوقف می‌شویم. آن مصوت و صامت‌های پس از آن (در صورت وجود) حروف اصلی قافیه را تشکیل می‌دهند. مثال:

دیوار ← ار درخت ← خت آهو ← و

دست به کاری زخم که غصه سرآید»

«بر سر آنم که گر ز دست برآید

حروف اصلی: ر

واژگان قافیه: بر و سر

ردیف: آید

قاعده قافیه: این موضوع بر اساس حروف اصلی تعیین می‌شود. اگر حرف اصلی واژگان قافیه تنها دارای یک مصوت بلند «آ» یا «او» باشد، قاعده قافیه ۱ است؛ اما اگر علاوه بر مصوت، صامت نیز داشته باشد، قاعده قافیه ۲ است. مثال:

کی بوده‌ای نهفته که پیدا کنم تو را»

«کی رفته‌ای ز دل که تمنا کنم تو را

قاعده قافیه: ۱

حرف اصلی: آ

واژگان قافیه: تمنا و هویدا

یا به تو دسترسی داشتمی»

«کاشکی جز تو کسی داشتمی

قاعده قافیه: ۲

حروف اصلی: س

الحاقی: ی

واژگان قافیه: کسی و دست رسی

حرف روی: به آخرین حرف حروف اصلی، روی گفته می‌شود. مثال:

«کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد یک نکته از این معنی گفتیم و همین باشد»

واژگان قافیه: حزین و همین حروف اصلی: ین حرف روی: ن

بررسی دو نوع مختلف قافیه:

۱: ذوقافیتین (دارای دو قافیه): زمانی که یک بیت دارای دو قافیه در پایان مصراع‌ها باشد،

ذوقافیتین شکل می‌گیرد. مثال:

«ای از مکارم تو شده در جهان خبر افکنده از سیاست تو آسمان سپر»

۲: قافیۀ درونی (میانی): آوردن قافیه در پایان یک چهارم‌های مصراع‌ها و یا آوردن کلمات هم‌قافیه

به صورت پشت سر هم. مثال:

«گلزار باغ عالمی، چشم و چراغ عالمی هم درد و داغ عالمی، چون پا نهی اندر جفا»

قافیه در شعر نو: قافیه در این قالب مقید به اصولی خاص نیست و شاعر هر جا که بخواهد می‌تواند

قافیه را بیاورد. مثال:

«عاشقم بهار را، رویش ستاره در کویر را

رهنورد دشت‌های عاشقی

پر ز باده سپید باد جام تو

ای که چون غزال تشنه آب تازه می‌خورد

مزرع دلم ز جاری کلام تو

در غبار کام تو»

درس سوم: واج آرایبی و واژه آرایبی

واج آرایبی: تکرار محسوس یک واج (صامت یا مصوت) به صورتی که این تکرار موجب افزایش آهنگ و موسیقی شعر شود.

نکته: واج آرایبی صامت‌ها از مصوت‌ها محسوس‌تر است.

نمونه:

«ریاست به دست کسانی خطاست که از دستشان دست‌ها بر خداست»

واج آرایبی «س» و «ت»

«آن ابر درر بار ز دریا که برآمد پر کرده ز درّ و درم و دانه دهان را»

واج آرایبی «ر» و «د»

شب است و شاهد و شمع و شراب و شیرینی غنیمت است چنین شب که دوستان بینی»

واج آرایبی «ش»

«خیزید و خز آرید که هنگام خزان است باد خنک از جانب خوارزم وزان است»

واج آرایبی «خ»، «ز» و «آ»

میان ماه من تا ماه گردون تفاوت از زمین تا آسمان است»

واج آرایبی «م»

«ملکا مها نگارا صنما بتا بهارا متحیرم ندانم که تو خود چه نام داری»

واج آرایی «آ»

واژه آرایی (تکرار): تکرار یک کلمه در بیت در یک لفظ، نوشتار و معنا.

نمونه: «به دریا بنگرم دریا تو بینم به صحرا بنگرم صحرا تو بینم»

واج آرایی کلمات «دریا»، «بنگرم»، «تو»، «صحرا» و «بینم»

«چه مبارک است این غم که تو در دلم نهادی به غمت که هرگز این غم ندهم به هیچ شادی»

واژه آرایی کلمه «غم»

«ای خندهات تجلی غم، بی‌امان بخند آری بخند، یکسره با این و آن بخند»

واژه آرایی کلمه «بخند»

«چو عیب تن خویش داند کسی ز عیب کسان بر نخواند بسی»

واژه آرایی کلمه «عیب»

«بی‌عمر زنده‌ام من و این بس عجب مدار روز فراق را که نهد در شمار عمر»

واژه آرایی کلمه «عمر»

«پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی‌تمکین بود»

واژه آرایی کلمات «پا»، «چوبین» و «بود»

«گوشه گرفتم ز خلق و فایده‌ای نیست گوشه چشمت بالای گوشه‌نشین است»

واژه آرایی کلمه «گوشه»

«نه من ز بی‌عملی در جهان ملولم و بس ملامت علما هم ز علم بی‌عمل است»

واژه آرایی کلمه «عمل»

نمونه

۱: در نمونه‌های زیر، واج‌آرایی و واژه‌آرایی‌ها را مشخص کنید.

الف) ای داد به داد دل ما کس نرسید از بس که بلند بود داد دل ما

واج: — ک — د / آ واج‌آرایی: داد

ب) دل نیست کبوتر که چو برخاست نشیند از گوشهٔ بامی که پریدیم، پریدیم

ج) گر اظهار پشیمانی کند گردون مشو ایمن که بدعهد از پشیمانی، پشیمان زود می‌گردد

واج‌آرایی: س آ واج‌آرایی: پشیمانی

د) از ننگ چه پرسی که مرا نام ز ننگ است وز نام چه پرسی که مرا ننگ ز نام است

واج: ن گ نکرار: ن گ ن گ

ه) گرم باز آمدی محبوب سیم‌اندام سنگین‌دل گل از خارم بر آوردی و خار از پا و پا از گل

واج‌آرایی: ر

و) دل اگر خداشناسی همه در رخ علی بین به علی شناختم من به خدا قسم خدا را

ی) پیش از اینت بیش از این اندیشهٔ عشاق بود مهرورزی تو با ما شهرهٔ آفاق بود

واج‌آرایی: ش رای

درس هشتم: سجع و انواع آن

سجع در لغت به معنای آواز کبوتر است و در اصطلاح ادبی، قافیه‌ای است که برای نثرها استفاده می‌شود.

سجع موجب افزایش موسیقی نثرها می‌گردد و آنها را به شعر نزدیک می‌کند.

همانطور که برای به وجود آمدن قافیه حداقل به دو مصراع نیاز داریم، برای به وجود آمدن سجع نیز به **دو جمله** احتیاج است.

همانگونه که قافیه در پایان مصراع قرار می‌گیرد، سجع نیز می‌بایست در **پایان جملات** واقع شود.

عوامل به وجود
آورنده سجع

۱: یکسانی وزن
۲: یکسانی هجای پایانی

انواع سجع:

۱: **سجع متوازی**: زمانی که دو کلمه هم وزن یکسان داشته باشند و هم هجای پایانی آنها

یکسان باشد. مانند: عاشق و صادق / ماهر و قادر / دریاچه و دیباچه

همه کس را عقل خود به **کمال** می‌نماید و فرزند خود به **جمال**.

۲: **سجع مطرف**: زمانی که دو کلمه هجای پایانی یکسان داشته باشند اما وزن آنها با هم یکسان

نباشد. مانند: یار و دیدار / مهمان و آسمان / سال و پرتقال

محبت را **غایت** نیست از بهر آنکه محبوب را **نهایت** نیست.

۳: **سجع متوازن**: زمانی که دو کلمه با هم هم وزن باشند اما هجای پایانی آنها یکسان نباشد. مانند:

کتاب و اتاق / گیسو و سالم / آرزو و مشتری

ملک بی دین باطل است و دین بی ملک ضایع.

نکته: به جمله ای که سجع داشته باشد، مسجع می گویند.

نکته: ارزش موسیقایی سجع متوازی از دیگر سجعها بالاتر است.

سجع در شعر:

سجعها علاوه بر نثر، در شعر نیز می توانند نمود داشته باشند. گاهی اوقات شاعران برای آهنگین تر کردن اشعار خود، در میان مصراعها قافیه می آورند و در پایان هر نیم مصراع از شعر آنان، قافیه ای دیده می شود. در این صورت می توان گفت که سجع در شعر اتفاق افتاده است. مانند:

«ای دلبر و مقصود ما، وی قبله و معبود ما آتش زدی در عود ما، نظاره کن در دود ما»

«در رفتن جان از بدن، گویند هر نوعی سخن من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می رود»

نمونه

۱) در نمونه‌های زیر، ارکان سجع را مشخص کرده و نوع آنها را بنویسید.

الف) طالب علم عزیز است و طالب مال ذلیل. U-U U-U متوازن
ب) این ریش موسی است مرّقع و آن دلق فرعون، مرّصع. U-U متوازگان
ج) یک نفر در حسرت یار سوخت و دیگری در حسرت دیدار. U-U متوازن

۲) صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص نمایید.

الف) سجع تنها در نثر دیده می‌شود. U-U
ب) ارزش موسیقایی سجع متوازی بیشتر از دیگر سجع‌هاست. U-U

۳) در بیت زیر ارکان سجع را مشخص نموده و نوع آنها را بنویسید.

«محمل بدار ای ساربان تندی مکن با کاروان کز عشق آن سرو روان گویی روانم می‌رود»

متوازگان U-U U-U

۴) ارکان سجع را در جمله زیر مشخص کنید و نوع سجع را بنویسید.

«فلان را کرم بی‌شمار است ... دارای عزیمی ست (متین، و طبیعی) کریم.» U-U متوازن

۵) ارزش موسیقایی سجع در کدام عبارت بیشتر است؟

الف) الهی به شناخت تو زندگانیم، به نام تو آبادانیم.
 U - - - - U - - -

ب) محبت را غایت نیست از بهر آنکه محبوب را نهایت نیست.

- - - U

ج) دو چیز محال عقل است: خوردن بیش از رزق مقسوم و مردن پیش از وقت معلوم.

U - - U - -

۶) آرایه درست را از داخل کمانک انتخاب کنید.

«پشت و پناه سپاه من بود، در دیده دشمنان خار و بر روی دوستان خال». (سجع متوازی - سجع

متوازن)

درس نهم: موازنه و ترصیع

موازنه: تقابل سجع‌های متوازی و متوازن میان کلمات دو مصراع

آرایه موازنه زمانی شکل می‌گیرد که اگر کلمات دو مصراع را دو به دو در مقابل یکدیگر قرار دهیم، غیر از واژگانی که عیناً شبیه به یکدیگر هستند، با هم سجع متوازی یا متوازن بسازند.

مثال: «چرخ ار چه رفیع خاک پایت / عقل ار چه بزرگ طفل راحت» موازنه

پایت	خاک	رفیع	چه	ار	چرخ
راحت	طفل	بزرگ	چه	ار	عقل
سجع متوازن	سجع متوازن	سجع متوازن	یکسان	یکسان	سجع متوازن

ترصیع: تقابل سجع‌های متوازی میان کلمات دو مصراع

آرایه ترصیع زمانی شکل می‌گیرد که اگر ، با هم سجع متوازی بسازند.

مثال: شکرشکن است یا سخن‌گوی من است / عنبرذقن است یا سمن‌بوی من است

است	من	گوی	سخن	با	است	شکن	شکر
است	من	بوی	سمن	یا	است	ذقن	عنبر
یکسان	یکسان	سجع متوازی	سجع متوازی	یکسان	یکسان	سجع متوازی	سجع متوازی

نکته ۱: اگر حتی یکی از واژگان با واژه مقابل خود در مصراع دیگر سجعی را نسازد، آرایه موازنه یا ترصیع شکل نمی‌گیرد.

مثال: «گر عزم جفا داری، سر در رهت اندازم / و راه وفا گیری، جان در قدمت ریزم»

اندازم	رهت	در	سر	داری	جفا	عزم	گر
ریزم	قدمت	در	جان	گیری	وفا	راه	ور
سجع ندارد	سجع ندارد	یکسان	سجع متوازن	سجع متوازن	سجع متوازن	سجع متوازن	سجع متوازی

همانطور که مشاهده می‌شود، دو کلمه پایانی با کلمات مقابل خود سجعی را نساخته‌اند؛ پس آرایه موازنه یا ترصیع نداریم.

نکته ۲: اگر حتی یکی از کلمات با کلمه مقابل خود در مصراع دیگر سجعی متوازی نسازد، دیگر ترصیع نداریم.

مثال: «عالم همه عابدند و معبود یکی است / دنیا همه ساجدند و مسجود یکی است»

عالم	همه	عابدند	و	معبود	یکی	است
دنیا	همه	ساجدند	و	مسجود	یکی	است
سجع متوازن	یکسان	سجع متوازی	یکسان	سجع متوازی	یکسان	یکسان

نکته ۳: در بررسی هر کلمه، حروف الحاقی آنها را کنار می‌گذاریم و در نظر نمی‌گیریم.

نمونه

۱: در نمونه‌های زیر، وموازنه و ترصیع را مشخص کنید.

الف) زگرز تو خورشید گریان شود / ز نیغ تو بهرام بریان شود
ن ن ی / ن ی

ب) ما ز بالاییم و بالا می‌رویم / ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
ی ی / ن ی

ج) ما برون را ننگریم و قال را / ما درون را بنگریم و حال را
ی ی ی / ن ی

د) بهاری کردو رخسارش همی شمس و قمر خیزد / نگاری کردو یاقوتش همی شهد و شکر ریزد
ی ن / ن ی

۲: کدام یک از ابیات زیر موازنه و کدام یک ترصیع دارند؟ چرا؟

الف) چرا مطرب نمی‌خواند سرودی / چرا ساقی نمی‌گوید درودی

ب) برگ بی‌برگی بود ما را نوال

مرگ بی‌مرگی بود ما را حلال

درس دوازدهم: جناس و انواع آن

جناس در معنای هم‌جنس بودن کلمات است که می‌تواند ۲ نوع اصلی را دارا باشد:

۱: جناس تام (همسان) ۲: جناس ناقص (ناهمسان)

جناس تام (همسان): این نوع جناس زمانی شکل می‌گیرد که دو کلمه عیناً به مانند یکدیگر نوشته و تلفظ شوند و تنها معنای آنها با یکدیگر متفاوت باشد. مثال:

زیبارو

پری

«ای مرغ اگر پری به سر کوی آن صنم پیغام دوستان برسانی بدان پری»

کلمه «پری» در مصراع اول در معنای «بپری یا پرواز کنی» به کار رفته است اما در مصراع دوم «زیبارو» معنا می‌شود.

جناس ناهمسان (ناقص): این نوع جناس در کلماتی شکل می‌گیرد که در یک واج با یکدیگر اختلاف و یا افزایش و کاهش داشته باشند. جناس ناقص به سه دسته تقسیم می‌شود:

۱: جناس ناقص اختلافی: زمانی که دو واژه در یک صامت و یا مصوت بلند با یکدیگر اختلاف داشته باشند. مثل:

«مگذران روز سلامت به سلامت حافظ چه توقع ز جهان گذران می‌داری»

«دل من هست از این بازار بیزار قسم خواهی، به دادار و به دیدار»

۲: جناس ناقص افزایشی: زمانی که یک واژه نسبت به واژه دیگر یک واج بیشتر داشته باشد. این واج اضافه می‌تواند در اول، وسط و آخر کلمه باشد. مانند:

«مرا زمانه زیارم به منزلی انداخت که راضی‌ام به نسیمی کز آن دیار آید»

۳: جناس ناقص حرکتی: زمانی که اختلاف دو واژه تنها در مصوت‌های کوتاه باشد. مانند:

«شکر کند چرخ فلک از مَلِک و مُلک و مَلک کز کرم و بخشش او روشن و بخشنده شدم»

اشتقاق: زمانی که دو یا چند کلمه با یکدیگر هم‌ریشه باشند، اشتقاق شکل می‌گیرد. مانند:

«ای دلیل دل گمگشته خدا را مددی که غریب از نبرد ره به دلالت برود»

نمونه

(۱) در نمونه‌های زیر، جناس را مشخص کرده و نوع آنها را بنویسید. افزایی

الف) وقت است تا برگ سفر بر باره بندیم ... دل بر عبور از سدّ خار و خاره بندیم
اختلافی

ب) من که باشم در آن حرم که صبا پرده‌دار حریم حرمت اوست
استغالی

ج) به جفایی و قفایی نرود عاشق صادق اختلافی

مژه بر هم نزند گر بزنی تیر و کمانش
مکر جناس نام زال
به دستانت به دست آرد اگر خود پیر دستانی

د) به ملک جم مشو غره که این پیران رویین تن

ه) تا روانم هست نامت بر زبان دارم روان روم جناس نام جاری
تا وجودم هست خواهد بود نقش‌ت در ضمیر